بنام خداوند یکتا جلّت عظمته

الحمد للّه الّذی تجلّی بنقطة من الکتاب الأعظم علی اوراق العالم اذاً ظهرت الکتب و الصّحف و الزّبر و الألواح ثمّ تجلّی بنور من انوار المعانی علی عالم البیان اذاً لاح افق العرفان و انار فجر الأمر بنیّر العنایة و الفلاح

یا اسمی مهدی مکتوب جناب افنان الف و حاء علیه بهائی را عبد حاضر لدی العرش معروض داشت انشآءاللّه لم‌یزل و لایزال از صهبای معانی در این یوم نورانی بنوشند و بر مستحقّین مبذول دارند انّا وفّقناه علی خدمة الأمر و بذلک مننّا علیه و علی الأصفیآء من عبادی انّ ربّک لهو المعطی الکریم انّا نبشّره برحمة من لدنّا و نذکره بما استفرحت به افئدة المخلصین یا مهدی جمیع دوستان را بحکمت امر نمودیم و الواح الهی بر این فقره شاهد و گواه مع‌ذلک بعضی من غیر ستر و حجاب تبلیغ امر مینمایند اگرچه از برای حقّ عاملند و باسم حقّ ذاکر ولکن لدی الحقّ مقبول نبوده و نیست چه که به غیر ما اراده اللّه عمل مینمایند بعضی از خوف و اضطراب از حدّ اعتدال تجاوز نموده‌اند و برخی از شوق و شعف بر منابر بذکر محبوب عالمیان ناطقند سبحان‌اللّه نفوس خائفه آیا چه ادراک نموده‌اند و خود را از برای چه امر حفظ و ستر مینمایند قسم بآفتاب بیان که از افق سجن طالع است اگر تحت اطباق ارض مستور شوند و بجمیع وسائل و اسباب خود را حفظ نمایند از مخالب موت رهائی نیافته و نیابند انشآءاللّه اشجار وجود بی بهره و ثمر نمانند و از برای این دو روز خود را از بحر حیوان محروم ننمایند در هر امری حدّ اعتدال محبوبست چندی قبل این لوح امنع اقدس از قلم اعلی نازل قوله تعالی

هو الکتاب الحکیم

یا معشر البشر تمسّکوا بالحبل المتین انّه ینفعکم فی الأرض من لدی اللّه ربّ العالمین خذوا العدل و الانصاف و دعوا ما امرکم به کلّ جاهل بعید الّذین زیّنوا رؤوسهم بالعمائم و افتوا علی الّذی به ظهر کلّ امر حکیم باسمی رفعت مقاماتهم بین العباد و اذا اظهرت نفسی افتوا علیّ بظلم مبین کذلک نطق القلم بالحقّ و القوم من الغافلین انّ الّذی تمسّک بالعدل انّه لا یتجاوز حدود الاعتدال فی امر من الأمور و یکون علی بصیرة من لدی البصیر انّ التّمدّن الّذی یذکره علمآء مصر الصّنایع و الفضل لو یتجاوز حدّ الاعتدال لتراه نقمة علی النّاس کذلک یخبرکم الخبیر انّه یصیر مبدأ الفساد فی تجاوزه کما کان مبدأ الاصلاح فی اعتداله تفکّروا یا قوم و لا تکونوا من الهائمین سوف تحترق المدن من ناره و ینطق لسان العظمة الملک للّه العزیز الحمید و کذلک فانظر فی کلّ شیء من الأشیآء ثمّ اشکر ربّک بما ذکرک فی هذا اللّوح البدیع الحمد للّه مالک العرش العظیم اگر نفسی فی‌الحقیقه در آنچه از قلم اعلی نازل شده تفکّر نماید و حلاوت آن را بیابد البتّه از مشیّت و ارادهٴ خود فارغ و آزاد گردد و بارادة اللّه حرکت نماید طوبی از برای نفسی که باین مقام فائز شد و از این فضل اعظم محروم نماند امروز نه خائف مستور محبوبست و نه ظاهر مشهور باید بحکمت عامل باشند و بخدمت امر مشغول بر کل لازمست در احوال این مظلوم تفکّر نمایند از اوّل امر تا حین مابین احبّا و اعدا ظاهر بوده و هستیم و در احیانی که از کلّ جهات بلایا و رزایا احاطه نموده بود اهل ارض را بکمال اقتدار بافق اعلی دعوت نمودیم قلم اعلی دوست نداشته و ندارد در این مقام مصائب خود را ذکر نماید چه که البتّه مقرّبین و موحّدین و مخلصین را احزان اخذ کند انّه لهو النّاطق السّامع العلیم در اکثر ایّام بین ایادی اعدا بودیم و حال مابین حیّات ساکنیم این اراضی مقدّسه در جمیع کتب الهی موصوف و مذکور و اکثر انبیا و مرسلین از این اراضی ظاهر شده‌اند اینست آن بیدائی که جمیع رسل به لبّیک اللّهمّ لبّیک ناطق بودند و وعدهٴ ظهور اللّه در این اراضی بوده اینست وادی قضا و ارض بیضا و بقعهٴ نورا در کتب قبل جمیع آنچه الیوم ظاهر مذکور است ولکن اهل آن در جمیع کتب الهی غیر مقبول بشأنی که در بعضی از مقامات باولاد افاعی ذکر شده‌اند و حال این مظلوم مابین اولاد افاعی بأعلی النّدآء ندا مینماید و کل را بغایة قصوی و ذروهٴ علیا و افق اعلی میخواند طوبی لمن سمع ما نطق به اللّسان فی ملکوت البیان و ویل لکلّ غافل بعید از حقّ بطلبید تا جمیع دوستان را مؤیّد فرماید بآنچه الیوم لدی اللّه مقبول است اگر نفسی بیک عمل پاک الیوم موفّق شود او از مقرّبین در کتاب الهی مذکور و مسطور است در جمیع امور بحبل مشورت متمسّک شوید این کلمهٴ علیا در صحیفهٴ حمرا از قبل نازل آسمان حکمت الهی بدو نیّر روشن و منیر است مشورت و شفقّت در امور بمشورت متمسّک شوید چه که اوست سراج هدایت راه نماید و آگاهی عطا کند کذلک یخبرکم الخبیر و هو العلیم الحکیم

ای اهل بها قدر این یوم امنع اقدس را بدانید و به ما یلیق لکم و ینبغی له قیام کنید و خود را از نعیق ناعقین و نعیب منکرین باسم حقّ جلّ جلاله حفظ نمائید لعمر اللّه معرضین از اهل بیان احجب از کلّ احزاب مشاهده میشوند بقدم اوّل راجع گشته‌اند یتکلّمون بأهوائهم و یستدلّون بها علی اللّه المهیمن القیّوم عرف یوم الهی را ادراک ننموده‌اند قل هذا یوم اللّه لا ینبغی لأحد ان یذکر دونه او یتوجّه الی سواه کذلک نطق لسان العظمة فی مقامه المحمود

انّا نذکر الأفنان مرّة اخری فی آخر الکتاب لیشکر مولی الوری الّذی ظهر و اظهر ما اراد بمشیّته المهیمنة علی العالمین انت الّذی سمعت ندآء ربّک و اقبلت الی الأفق الأعلی و کنت من المجیبین قل یا ملأ الأرض تاللّه لا ینفعکم ما عندکم دعوه باسمی المقتدر القدیر قل یا معشر العلمآء ضعوا ما عندکم من السّبحات و الحجبات ان استمعوا ما ینادیکم به القلم الأعلی فی هذا الیوم البدیع بظلمکم ناح الملأ الأعلی و اهل الفردوس و الّذین نطقوا انّه لا اله الّا هو العلیم الخبیر قد تغبّر العالم من ظنونکم و اضطربت افئدة المقرّبین من ظلمکم اتّقوا اللّه و کونوا من المنصفین یا معشر الأمرآء قد شغلتکم زخارفکم و ما عندکم سوف تأخذکم نفحات الفنآء من کلّ الجهات اذاً ترون انفسکم فی خسران مبین

انّا نکبّر من هذا المقام علی احبّائی و نوصیهم بما وصّیناهم به من قبل و انا النّاصح الحکیم قل ایّاکم ان تمنعکم شبهات من خرج من دیارکم او تخوّفکم شؤونات الغافلین و نوصیهم مرّة بعد مرّة بالحکمة الّتی نزلت فی الواح اللّه ربّ العرش العظیم

و ما ذکر فی محلّ البرکة قد فاز بطراز القبول من قبل من لدن مشفق علیم اگر بروح و ریحان واقع شود محبوبست حقّ نفوس موقنهٴ ثابته را تأیید میفرماید و بمعروف امر نموده و مینماید طوبی لنفس فازت بعمل فی سبیل اللّه انّه من اهل الفردوس الأعلی فی کتابی الکریم

یا افنانی نشهد انّک عملت بالمعروف فیما امرت به من لدن آمر علیم انشآءاللّه لازال موفّق باشید بر آنچه سبب و علّت اعلاء امر اللّه است دقایق و ساعات و لیالی و ایّام کل اقرب من آن بفنا راجع و آنچه باقی و دائم ما ظهر فی حبّ اللّه و سبیله چه بسیار از نفوس که سائل و آمل این مقام بودند ولکن الیوم غافل و محتجب مشاهده میشوند یا افنانی قل

سبحانک یا اله الممکنات و مقصود الکائنات اسألک بمطلع آیاتک الکبری الّذی به انار الأفق الأعلی و ارتفع النّدآء بین الأرض و السّمآء بأن تؤیّد احبّائک و اصفیائک علی الاستقامة علی هذا الأمر الّذی به ناحت الأصنام و تزعزعت بنیان الامکان ای ربّ تری ما اکتسبت ایادی الظّالمین و تسمع نعیق الجاهلین الّذین اعرضوا عن رحیقک المختوم اذ ظهر باسمک القیّوم ای ربّ انر ابصارهم بنور معرفتک و قلوبهم بتجلّیات انوار وجهک قد شهد کلّ شیء بقوّتک و اقتدارک اسألک بأن لا تخیّب عبادک عن صریر قلم وحیک و لا تمنعهم عن التّوجّه الی بحر رحمتک انّک انت الّذی لا تعجزک شؤونات الخلق و لا تخوّفک سطوة الّذین کفروا بک و بآیاتک لا اله الّا انت المقتدر القدیر

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۵ مه ۲۰۲۴، ساعت ۰۰:۱۱ قبل از ظهر